

فرهنگ و آرگن موزه نیشابور

مؤلفان: فرانسوا مرس و آندره دواله | مترجم: میثم عبدلی



Dictionnaire encyclopédique de muséologie



ISBN 978-964-02-2290-4



9 789640 222904

سرشناسه: مرس، فرانسوا

Mairesse, François

عنوان قراردادی: فرهنگ واژگان موزه‌شناسی / فرانسوا مرس، آندره دواله؛

مترجم میثم عبدلی.

مشخصات نشر: مشهد: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)؛ کتابخانه و موزه

ملی ملک، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۰۸ ص

فروست: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)؛ ۱۷۳۴.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۲۲۹۰-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا

یادداشت: عنوان اصلی:

Dictionnaire encyclopédique de muséologie, c2011.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: موزه‌ها -- واژه‌نامه‌ها -- فرانسه

موضوع: زبان فرانسه -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی

شناسه افزوده: دواله، آندره Desvallées, André

شناسه افزوده: عبدلی، میثم، ۱۳۶۱ -، مترجم

شناسه افزوده: به‌نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

شناسه افزوده: کتابخانه و موزه ملی ملک

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۴ف۴/م۴۳ AM

رده‌بندی دیویی: ۰۶۹/۰۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۵۵۰۸۷



فرهنگ وازگان موزہ شناسے

مؤلفان: فرانسوا مرس - آندرہ دوالہ | مترجم: میثم عبدلی

به نشر
انتشارات آستان
قدس رضوی



۱۷۳۴

فرهنگ وژگان موزه شناسی

فرانسوا مرس - آندره دواله

مترجم | میثم عبدلی

طراح جلد و صفحه آرا | حامد ابراهیمی

ویراستار علمی - تطبیقی | مسارک زارع

ویراستار فنی - زبانی | یوسف بیضا

نوبت چاپ | اول - ۱۳۹۵

شمارگان | ۵۰۰ نسخه

قطع | وزیری

چاپ | مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

ناشر همکار | کتابخانه و موزه ملی ملک

شابک | ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۲۲۹۰-۴

حق چاپ محفوظ است.
به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

قیمت | ۳۵۰۰۰۰ ریال

دفتر مرکزی | مشهد، بلوار سجاد، خیابان میلاد | ص.ب. ۹۱۳۷۵/۴۹۶۹

تلفن و دورنگار | ۳۷۶۵۲۰۰۸

دفتر تهران | تلفن و دورنگار | ۸۸۹۶۰۴۶۶

نشانی اینترنتی | www.behnashr.com | پست الکترونیکی | publishing@behnashr.com

مقدمه برای ترجمهٔ پارسی

نگارش پیشگفتار بر ترجمه پارسی کتاب فرهنگ واژگان موزه‌شناسی، اثری بین‌المللی که نسخه آغازین آن به قلم گروهی از نویسندگان فرانسوی‌زبان (از فرانسه، سوئیس، بلژیک و بک) نگاشته شده، برای من افتخاری بزرگ است. زمانی که ما نگارش این فرهنگ را در ذهن می‌پروراندیم، هدفمان که در مسیر اهداف «کمیته بین‌المللی موزه‌شناسی» قرار داشت، پیشنهاد ابزاری بود که بتواند بیانگر گرایش‌های گوناگون موزه‌شناسی به همان گونه‌ای باشد که از حدود یک سده پیش در سراسر جهان پدیدار شده و رشد یافته است. این آرزوی بلند بی‌شک محدود به دانش نویسندگان آن - ما در این راه از همکاری مجموعه‌ای از نویسندگان و اندیشمندان عرصه موزه‌شناسی در همه قاره‌ها بهره‌مند شدیم - و نیز محدود به زبان و بافتی است که این اثر به آن و در آن نگاشته شده است. در حال حاضر زبان فرانسوی ناقل اندیشه‌ای ویژه است که این فرهنگ پیش روی شما را به گونه‌ای متفاوت از سایر زبان‌ها - مثلاً اگر نخست به روسی یا هندی نوشته شده بود - سامان می‌بخشد. ترجمه همواره با دگردیسی اندک ایده‌ها همراه است؛ تلاش برای بازآفرینی یک اندیشه از یک زبان متفاوت و در نتیجه از یک بافت متفاوت، سازوکاری پیچیده و به همان اندازه ظریف است. باین‌همه، این تمرین خاص دربرگیرنده بهترین اقدام برای درک دیگری، فرهنگ و شیوه تفکر اوست؛ نیز ترجمه دربرگیرنده راهی مهم و حیاتی برای رسیدن به درکی بهتر از مردمان است. در حال حاضر، بیشتر نوشته‌ها در هرآنچه مربوط به موزه‌شناسی است، به زبان‌های اروپایی، به‌ویژه انگلیسی (که درحال حاضر چیرگی دارد) و نیز فرانسوی و آلمانی است.^۱ بنابراین برای ادراک مجموعه مسائل مرتبط با موزه‌شناسی، ترجمه برخی آثار که سعی در معرفی اصول بنیادین و چالش‌های کنونی آن دارند، به‌نظر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

موزه‌شناسی رشته‌ای نسبتاً جدید است و به سرزمین‌ها - پیدایش موزه مدرن اصولاً به سده هجدهم در ایتالیا، آلمان و سپس در فرانسه و بریتانیای کبیر بازمی‌گردد - و نهادی خاص به نام موزه مرتبط است. از رهگذر این قلمروها است که از سده نوزدهم و همراه با اراده قدرت‌های بزرگ برای کشورگشایی و نیز گشایش (اختیاری یا قهری) دیگر مناطق جهان بر روی ارزش‌های غربی، مفهوم موزه در سراسر دنیا گسترش یافت. بدین ترتیب از ابتدای نیمه نخست سده بیستم، در بسیاری از کشورها از جمله ایران یا چین موزه به‌مثابه ابداعی جدید پدیدار گشت. در مقابل، این سرزمین‌ها مهد تمدن‌های هزاران ساله‌ای بودند که از سده‌های پیشین سازمان‌هایی با کارکردی شبیه موزه‌های کنونی را بنا نهاده بوده‌اند: حفاظت، مطالعه و انتقال دانش خاص با (یا بدون) تکیه بر گردآوری کتاب‌ها و آثار. موزه‌شناسی همچنین بر بنیان این سنت‌های گاه چندهزارساله بنا شده است.

امروزه موزه‌ها تحت تأثیر مسائل گوناگون بی‌وقفه در حال تغییرند. این تغییرات بیش‌ازپیش به‌واسطه کشورهای است که در آن‌ها مفاهیم موزه‌ای دیگر تنها از منطقی صرفاً میراث‌محور که خاستگاه آن نگرشی غربی است تبعیت نمی‌کند. بدین ترتیب، کشورهای مانند کره و ژاپن مفهوم میراث معنوی نامحسوس را صورت‌بندی کردند تا سایر شیوه‌های اندیشیدن درباره گذشته و سنت را بازتولید کنند. موزه‌شناسی برگرفته از مفهوم موزه در غرب رشد یافته است، اما این حوزه پژوهشی، به‌گونه‌ای فزاینده، از مدل اولیه خود فاصله گرفته است تا به بهترین صورت، کلیت پدیده‌ای به نام موزه را در گذشته و آینده انسجام بخشد.

ترجمه فرهنگ واژگان موزه‌شناسی به زبان‌های دیگر، به‌ویژه زبان پارسی، اگر در گسترش دانشی مشترک در سراسر جهان سهیم باشد و نقش مؤثری ایفا کند، امکان کمال و رشد آن دانش را فراهم می‌آورد. درواقع، هدف از نگارش این واژه‌نامه دوگانه بوده است: این اثر، نه‌تنها در جستجوی بیان دانشی جامع و جهانی درباره شیوه تفکر در مسائل موزه‌ای است، بلکه در جستجوی آن است که محرک اندیشه در دگرگونی دنیای موزه‌ها در آینده، به‌ویژه در کشورهایی باشد که مفهوم موزه در آن‌ها پدیده‌ای نوظهور است، اما بی‌تردید خمیره اندیشه موزه فردا در آن‌ها شکل می‌گیرد. این ترجمه بدون سخت‌کوشی آقای میثم عبدلی ممکن نبود. او به‌راستی موتور محرکه انجام این پروژه بود و موفق شد این اثر سترگ را به سرانجام برساند، و من در اینجا از ایشان صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

فرانسوا مرس، رئیس کمیته بین‌المللی موزه‌شناسی (ICOFOM)

پانویس:

۱. نخستین نوشته‌ها تا سده هشتم به زبان لاتین، سپس به آلمانی (ایتالیایی نسبتاً به ندرت) بوده است. سپس از اواخر سده نوزدهم زبان‌های فرانسوی و انگلیسی به همراه زبان آلمانی اندیشه‌های موزه‌شناسی را انتقال داده‌اند و زبان فرانسوی در سال‌های بین دو جنگ جهانی اول و دوم، زبان غالب بوده است. در دوران جنگ سرد، ادبیات شوروی و کشورهای اروپای شرقی منبع تأثیر بسیار مهمی بودند. از چند سال پیش تاکنون، شاهد رشد این ادبیات در زبان‌های پرتغالی و اسپانیایی بوده‌ایم.

پیش گفتار

مترجم

موزه و موزه شناسی به شکل نوین خود حوزه ای جدید در ایران است و یکی از مشکلاتی که در جامعه موزه ای کشورمان مشاهده می شود، عدم وجود تعاریف مشخص در این حوزه است. مترجم در سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۱) از انتشار کتاب فرهنگ واژگان موزه شناسی به زبان فرانسه آگاهی یافت که مشتمل بر دو بخش است، بخش اول آن شامل مدخلهایی به صورت مقالات مجزا از متخصصین عرصه موزه شناسی و بخش دوم کتاب، فرهنگ واژگان موزه شناسی است. با توجه به گستردگی و جامع بودن واژگان موجود در بخش فرهنگ این کتاب به نظر آمد که این مجموعه می تواند بخشی از نیاز جامعه موزه داری ایران را پاسخ گفته و ابهامات موجود در زمینه اصطلاحات تخصصی این حوزه را برطرف نماید. آنچه اینک در این مجموعه ترجمه شده و در اختیار علاقه مندان قرار گرفته است بخش دوم کتاب مذکور است و مشتمل بر بیش از پانصد واژه تخصصی در حوزه موزه شناسی است که دربرگیرنده واژگانی مرتبط با موزه شناسی، موزه نگاری، تقسیم بندی انواع موزه ها، تقسیم بندی مشاغل موزه ای، مباحث جامعه شناختی، مباحث فلسفی، تقسیم بندی آثار موزه ای، مباحث حفاظت و مرمت و ... است و به گونه ای گرد هم آمده که از یک سوی دید بسیار خوبی به خواننده در ارتباط با موزه و موزه شناسی داده و از سویی دیگر گستردگی این حوزه و ارتباط موزه شناسی با رشته های دیگر را برای خواننده به خوبی آشکار می سازد.

کتاب فرهنگ واژگان موزه شناسی تحت سرپرستی پروفسور فرانسوا مرس استاد دانشگاه سوربن پاریس و رییس کمیته موزه شناسی ایکوم و پروفسور آندره دوواله از اساتید و محققین برجسته موزه شناسی (همکار ژرژ هنری ریویر، پدر موزه شناسی فرانسه) و تیمی از موزه شناسان فرانسوی زبان نوشته و انتشار یافته است.

برای انتشار ترجمه این کتاب با نویسندگان این کتاب مکاتباتی انجام شد که در اینجا می بایست کمال سپاسگزاری خود را از پروفسور فرانسوا مرس داشته باشم که علاوه بر دادن اجازه به اینجانب برای ترجمه کتاب به زبان فارسی، مقدمه ای نیز برای ترجمه این اثر به رشته تحریر درآوردند. در ترجمه این کتاب، یکی از نکات بسیار مهم و مشکل معادل یابی برای اصطلاحاتی بود که بسیاری از آنها در دنیای موزه شناسی، جدید و نوساخت است. به همین دلیل از اساتید مختلفی در حوزه های گوناگون برای معادل یابی این اصطلاحات در زبان فارسی کمک گرفته شد که در طول ترجمه با مشاوره های شخصی و گروهی مترجم را در انتخاب واژگان معادل یاری رساندند. در اینجا می بایست از آقایان دکتر کورش صفوی، سید مجتبی حسینی، رضا دبیری نژاد، محمدرضا جواهری، دکتر مجتبی منشی زاده، ناصر نوروززاده چگینی، و خانم پریسا اندامی نام برد که در اینجا صمیمانه از لطف و یاری ایشان تشکر مینمایم.

در چاپ و انتشار این اثر، اساتید و دوستانی یاری رسان اینجانب بوده اند که از تک تک آنها به دلیل لطف و یاری شان تشکر می‌شود، به‌ویژه از خانم مارال زارع و خانم شهرناز اعتمادی برای ویرایش ترجمه، از خانم دکتر سائنا صدیقیان به منظور مشاوره‌های بسیار مفید و از آقای مسعود سنجرانی مسئول چاپ و انتشارات به‌نشر.

به‌طور یقین این اثر در گام نخست خود ممکن است با کاستی‌ها و انتقاداتی روبرو شود که امیدواریم با نظرات دوستداران موزه و کارشناسان جامعه موزه داری در انتشارهای بعدی کتاب آنرا اصلاح و تکمیل نماییم.

در انتها نگارنده وظیفه خود می‌داند تا از موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک و انتشارات به‌نشر که زمینه چاپ و نشر این کتاب را فراهم نمودند تشکر و سپاسگزاری نماید، چه به‌راستی لطف و اعتماد این دو موسسه بزرگ زمینه‌ساز انتشار این کتاب گردیده است.

میثم عبدلی

پیش‌گفتار

فرانسوا میرس و آندره دواله

نگارش این فرهنگ توصیفی موزه‌شناسی، تا آنجا که می‌دانیم، اقدامی بی‌سابقه است. دو کتاب «فرهنگ توصیفی موزه‌شناسی»^۱ و «واژه‌نامه موزه‌شناسی»^۲، در دهه هشتاد میلادی تدوین شد، اما هدف آن‌ها ترجمه دقیق (به ترتیب به ده و دو زبان) مجموعه واژگانی بود که در کشورهای گوناگون استفاده می‌شد. ده سال بعد، یکی از ما دو تن، «واژه‌نامه کوچک نمایشگاه»^۳ را نوشت که به سرعت به صورت کتابی مرجع درآمد. این واژه‌نامه که ۱۴۰ اصطلاح را در بر می‌گرفت، با غنایی فوق‌العاده، جنبه‌های گوناگون موزه‌شناسی و نیز تکامل پیوسته آن را پوشش می‌داد. فهرست واژگان موزه‌شناسی در پانزده سال اخیر، دستخوش تغییرات بسیاری شده است.

در تلاش برای شناخت این حوزه، به‌گونه‌ای که ناهمگونی کمتری در آن به چشم بخورد، فهرستی از چندین کتاب راهنما و آثار مرجع در موزه‌شناسی (کتاب‌های راهنمای الکساندر، بوالان، بورکو، فرناندز، گوب، هرناندز، وان مانش، استرانسکی، تامپسون یا وایداچر) و نیز اصطلاحات رایج را که پیوسته از آن‌ها استفاده می‌شود، تهیه کردیم. در برخی موارد - به‌ویژه آثار «شورای بین‌المللی موزه»، «کمیته نگهداری» و «کمیته بین‌المللی آموزش کارکنان» - تصمیم گرفتیم از تعاریف پیشنهادی این کمیته‌ها استفاده کنیم. فهرست حاصل بررسی و به‌گونه‌ای منظم، طی هم‌اندیشی‌هایی که «شورای بین‌المللی موزه‌ها» برای تهیه واژه‌نامه برگزار کرد، کامل‌تر شد. این اثر، بدون تردید در چاپ‌های بعد، شرح و بسط بیشتری خواهد یافت.

لازم می‌دانیم از همکاری‌هایی که ما را در تطبیق و تعریف مفاهیم یاری کردند، سپاس‌گزاری کنیم؛ به‌ویژه «فیلیپ دوبه» که همه واژه‌نامه را خواند و اصلاحات بسیاری را پیشنهاد کرد و خود چندین اصطلاح تخصصی را نوشت، «ژان ژک ازراتی» که اصطلاحات مرتبط با نورپردازی و شرایط آب‌وهوایی نگهداری اشیاء را نوشت، «ماری کورنو» که برخی اصطلاحات قضایی را بازبینی کرد، «ژان میشل توپلم» که خود را وقف جنبه‌های مدیریتی موزه کرد، «دومینیک پولو» که به برخی نکته‌های مهم تاریخی پرداخت، «تلی دکارولیس» رئیس «شورای بین‌المللی موزه‌ها»، «مونیکا گورگاس» و «آرمیدا کوردوبا» که ترجمه اسپانیایی اصطلاحات گوناگون را بر عهده گرفتند، «جنیفر کارتر» که ترجمه انگلیسی متن را انجام داد و «سوزان ناش» که علاوه بر ترجمه انگلیسی، با بهره‌گیری از تخصص حرفه‌ای‌اش در دبیرخانه شورای بین‌المللی موزه، کتاب‌نامه را بازبینی کرد.

1. Dictionarium museologicum.

2. Lexique de museologie.

3. Petit glossaire de l'exposition





اصطلاح نظام ارزش‌گذاری و بازشناخت موزه‌ها از سوی نهادی دولتی (وزارت‌خانه یا نمایندگی آن) یا انجمنی حرفه‌ای وابسته به موزه‌ها، توأمان به روند و نتیجه اشاره دارد. هم‌معنای پذیرش، بازشناخت، صلاحیت قانونی بخشیدن (قابلیت سرمایه‌گذاری دولتی). روند به رسمیت‌شناختن یا اعتباربخشی که مدت‌هاست همچون شکلی از ارزش‌گذاری (و گاهی گزینش) در بخش آموزش استفاده می‌شود، در دنیای موزه‌داری مفهومی نسبتاً جدید است. رشد و بالندگی این مفهوم به سال‌های آغازین دهه هفتاد میلادی در آمریکا برمی‌گردد و انجمن آمریکایی موزه‌ها به‌طور غیرمستقیم در آن نقش داشته است تا هم سطح حرفه‌ای بخش موزه را افزایش دهد و هم مقام‌های دولتی را بر آن دارد که موزه را به‌عنوان نهاد آموزشی شایسته دریافت حمایت‌های فدرال به رسمیت بشناسند. اصل اعتباربخشی دقیقاً بر اندیشه به رسمیت‌شناختن ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر از کارکرد مناسب یک بنیاد دلالت دارد که کمیته‌ای ذی‌صلاح آن را تشخیص می‌دهد؛ تشخیصی که به مؤسسه مورد نظر اجازه می‌دهد تا در صورت داشتن این برچسب کیفیت، کمک‌های مالی دریافت کند. این روند، بر مبنای نوعی ارزیابی صورت می‌گیرد که خود مؤسسه آن را انجام می‌دهد (مانند قضاوت داخلی و تهیه پرونده‌ها) و در این ارزیابی، فعالیت موزه با قواعدی مقایسه می‌شود که اشخاص حرفه‌ای مشخص کرده‌اند. اگر قواعد رعایت شده باشد، کمیته‌ای هم‌تراز (متشکل از افراد حرفه‌ای در زمینه موزه و کارشناسان) در محل موزه تشکیل می‌شود و فعالیت‌های موزه را ارزیابی می‌کند. بر اساس این بازدید یا با اعتباربخشی موافقت می‌شود یا نمی‌شود و یا به تعویق می‌افتد. در یک سال ۱۹۷۵، وزارت فرهنگ برنامه‌ای مشابه را برای بهبود شبکه موزه‌ای سازمان داد. در اروپا و کشورهایی مانند فرانسه که کیفیت موزه‌ها را دولت کنترل می‌کند، بیشتر به توانمندسازی، اعطای برچسب کیفیت یا ثبت در فهرستی رسمی توجه می‌شود که عنوان موزه را به رسمیت بشناسد؛ مثل عنوان «موزه کنترل‌شده» (که امروز دیگر وجود ندارد) در زمان تصویب قانون سال ۱۹۹۷، یا عنوان «موزه فرانسه» با تصویب قانون ۲۰۰۲ هم‌زمان با ممنوعیت آن دسته از موزه‌هایی که ملاک‌های لازم را برای کسب این عنوان‌ها نداشتند.

عمل فضا سازی واحدهای نمایش (هرچه در موزه نمایش داده می شود) به ویژه آن هایی که دو بُعدی هستند و عموماً به گچ پری روی دیوار آویزان می شوند. تابلوها را به قلاب های نصب شده روی چوب پرده های آویزان به یک کانال یا ریل های کوچک پیچ شده به میله های آویخته به کانال و بندها یا سیم های فلزی آویزان به یک پیچ قلابدار که مستقیماً به دیوار نصب شده است، آویزان می کنند. این واژه در نمایشگاه های هنری معنای گسترده تری دارد که خود نمایشگاه را نیز شامل می شود: «همان طور که می دانیم آویختن تابلوها بیش از هر چیز به معنی برجسته سازی تابلوها و هنر اختصاص فضای درست به آن هاست؛ اگر فضا بیش از اندازه باشد، تابلو گم و اگر کمتر از حد معمول باشد، قلمرو آن مخدوش می شود» (داوالون، ۱۹۸۶). «بعضی ها این واژه را با تسامح معنایی، برای نشان دادن هرگونه فضا سازی به کار برده اند، بدون اینکه هیچ تابلویی به دیوار آویخته شده باشد» (ولس، ۱۹۸۶).

فضایی در موزه که به استقبال از بازدید کنندگان اختصاص دارد. این واژه به معنای خود استقبال نیز هست. در دهه های اخیر استقبال از بازدید کنندگان و فضای در نظر گرفته شده برای آن پیشرفت چشم گیری کرده است. جایی که استقبال در آن انجام می شود و اولین مکان و لحظه برقراری ارتباط با مردم، برای بازدید کنندگانی که کمتر به موزه رفت و آمد دارند، اهمیت زیادی دارد (این اولین رابطه آن ها با موزه است). مسئولان پذیرش مدام درگیر فعالیتی چندوجهی هستند؛ از جمله استقبال گرم از مردم و در عین حال اعلام مقررات امنیتی متداول و لازم الاجرا در موزه (مثلاً سیگار نکشیدن، خوراکی نخوردن و به امانت گذاشتن کیف و چتر در رخت کن) و همزمان اطلاع رسانی درباره امکانات بازدید. گاه در برخی موزه ها وظایف بی شمار برای استقبال از بازدید کنندگان و مراقبت از موزه و در عین حال اداره گیشه فروش، اجرای آن ها را دشوار می کند.

سندی راهبردی که در آن قوانین اصلی موزه درباره روش های رایج در خرید مجموعه ها به دقت ثبت شده است. در آیین نامه اخلاق شورای بین المللی موزه قید شده است: «در هر موزه مدیر مسئول باید منشوری درباره خرید، محافظت و استفاده از مجموعه ها تصویب و آن را منتشر

کند. در این متن باید وضعیت اشیایی که فهرست‌بندی و نگهداری نخواهند شد یا به نمایش در نخواهند آمد، روشن شده باشد. چنین سندی وضعیت موزه را دربارهٔ مبدأ اشیاء و بعضی انواع خاص آن‌ها (اشیاء مقدس) و مواردی مانند این مشخص می‌کند. از نظر منطقی هر موزه‌ای که عضو شورای بین‌المللی موزه باشد، باید تاحدامکان، آیین‌نامهٔ اخلاق را رعایت کند.» چندین سال است که دستورالعمل گردآوری مجموعه‌ها (و به‌ویژه نگهداری آن‌ها) به سندی با اهمیت بنیادین تبدیل شده است که اساس فعالیت‌های موزه قرار می‌گیرد. براساس این سند در کشورهایی که آن را رعایت می‌کنند، عملیات مربوط به انتقال یا واگذاری مجموعه‌ها نیز تعیین می‌شود.

مدیر اداری

Administrateur

Administrator/ Administrador

«مدیر اداری دارای مسئولیت سرپرستی است و امور اداری و مالی، منابع انسانی و ضوابط حقوقی، عملکرد موزه را سازمان می‌دهد» (کمیتهٔ بین‌المللی آموزش کارکنان، ۲۰۰۸). عبارت مدیر اداری که مستقیماً از واژهٔ اداره مشتق شده است، بر منطقی بسیار عمومی دلالت دارد که در آن فقط به بازتاب دنیای موزه‌ها و پیچ‌وخم‌های تجاری بسنده نمی‌شود. بدین ترتیب واژهٔ مدیران بیشتر از مدیر اداری رایج شده است؛ با وجود این در عنوان مدیر اداری در سطح معمولی، منطقی وجود دارد که ادارهٔ کلی کارها را چه در قلمرو شخصی و چه همگانی بازتاب می‌دهد.

اداره

Administration

Administration/ Administración

از واژهٔ لاتین administratio (خدمت، کمک، اداره) مشتق شده است. در قدیم برای تعریف کردن فعالیت‌هایی استفاده می‌شد که مربوط به مدیریت کارهای اداری موزه یا به‌طور کلی مجموع فعالیت‌هایی بود که به‌طور غیرمستقیم با وظایف مشخص موزه (نگهداری، پژوهش و ارتباطات) ارتباط داشت. در این معنی ادارهٔ موزه لزوماً امور وابسته به جنبه‌های مالی و حقوقی موزه، مدیریت کارکنان و مانند آن را شامل می‌شود. البته این اصطلاح معنی گسترده‌تری نیز پیدا کرده است. جرج برون گوده در رسالهٔ موزه‌شناسی خود (۱۸۹۶) با عنوان «اصول ادارهٔ موزه» همان اندازه که ارزیابی و به‌نمایش گذاشتن مجموعه‌ها را بررسی کرده، مدیریت روزانه، بینش کلی موزه‌داری و قراردادن موزه در بطن اجتماع را نیز بررسی کرده است. اداره کردن که قانوناً از منطبق عملکرد عمومی نشأت می‌گیرد، وقتی موضوع خدمات عمومی یا خصوصی مطرح می‌شود، به تضمین عملکرد موزه و کنترل مجموع فعالیت‌هایش دلالت دارد. مفهوم عرضهٔ خدمات (عمومی) با اختلافی جزئی با مفهوم مذهبی آن به‌طور تنگاتنگ با مفهوم اداره مرتبط است. نزدیک‌شدن مفهوم واژهٔ «اداره» به شیوهٔ عملکرد دولت باعث طرح معنای ضمنی دیوان‌سالاری شده است. دیگر حیرت‌آور نیست که تحول کلی در

نظریه‌های اقتصادی در ربع آخر قرن با اعطای امتیاز به اقتصاد بازار موجب توسل بیش‌ازپیش به مفهوم مدیریت شده است؛ مفهومی که مدت‌ها در محیط سازمان‌های انتفاعی به کار می‌رفته است.

مأمور پذیرش

Agent d'accueil

Attendant / Asistente de recepción

از کارمندان موزه است که این وظایف را بر عهده دارد: استقبال از بازدیدکننده، راهنمایی او، پاسخ‌دادن به پرسش‌های اساسی‌اش دربارهٔ موزه و فعالیت‌های آن، کنترل بلیت به‌طور منظم، در مواردی ادارهٔ فروشگاه وقتی که مجاور فضای استقبال است (در موزه‌های کوچک و متوسط) و اعلام دستورات امنیتی اساسی. شهرت موزه بسیار وابسته به نقشی است که مأمور مراقبت در اولین دیدار بازدیدکننده ایفا می‌کند. کمیتهٔ بین‌المللی آموزش کارکنان به کار مأمور پذیرش و مراقبت رسیدگی می‌کند. (تعریف بعد را ببینید.)

مأمور استقبال و مراقبت

Agent d'accueil et de Surveillance

visitor care and security assistant/

Asistente de recepción y de vigilancia

از کارمندان موزه است که این وظایف را بر عهده دارد: «استقبال و راهنمایی مردم، محافظت از فضاهای در دسترس، نگهداری روزمرهٔ فضاها و وسایل، دادن اطلاعات اولیه به بازدیدکننده، کنترل ورود، تذکر دربارهٔ رعایت مقررات، کمک به مردم برای یافتن مسیر بازدید، مطلع کردن مسئولان از مشکلات احتمالی، بررسی وضعیت مجموعه‌های به‌نمایش درآمده و موارد مربوط به موزه‌نگاری، اطلاع‌دادن هر گونه خرابی یا خطر به مافوق و پاسخ به پرسش‌های اساسی بازدیدکنندگان دربارهٔ موزه، مجموعه‌ها و نمایشگاه‌ها» (کمیتهٔ بین‌المللی آموزش کارکنان، ۲۰۰۸). گاه این شغل قراردادی است.

مأمور مراقبت، نگهبان موزه

Agent de surveillance, Gardien

visitor security assistant, Security guard/

Agente de vigilancia, Guardia

از کارمندان موزه است که این وظایف را بر عهده دارد: تأمین امنیت روزانهٔ موزه (هم امنیت بازدیدکنندگان و هم مجموعه‌ها) یعنی کنترل ورود، تذکر دربارهٔ رعایت مقررات داخلی، بررسی وضعیت مجموعه‌های به‌نمایش درآمده و موارد مربوط به موزه‌نگاری، اطلاع‌دادن خرابی‌ها و خطرهای احتمالی

به مافوق و پاسخ به پرسش‌های اساسی بازدیدکنندگان دربارهٔ موزه و فعالیت‌های آن. برقراری امنیت شامل مجموع اقدامات مربوط به جلوگیری از دزدی، تخریب و نیز امدادرسانی در حوادث مصیبت‌بار (آتش‌سوزی، بمباران، زمین‌لرزه و مانند آن) است. این گروه از متخصصان موزه که از گذشته تاکنون نگهبان نامیده شده‌اند، بیشترین و قدیمی‌ترین افراد موزه هستند. چندین سال است واژهٔ «نگهبان» که گاهی خیلی مستقیم برای مأموریت‌های کاملاً امنیتی مانند نگهبانی زندان‌ها به کار می‌رود، جای خود را به لفظی خنثی‌تر با ارزش بیشتر و مرتبط با مراقبت داده است. مدیریت کارکنان مراقبت، فعالیت پیچیده (سازمان‌دهی جدول ساعات، تعویض‌ها و...) اما اساسی است که به سازمان‌دهی هر چه بهتر موزه‌ها کمک می‌کند. گاه خدمات استقبال و مراقبت برای بسیاری از بازدیدکنندگان، تنها نقطهٔ پیوند (رابطهٔ انسانی) آن‌ها با موزه است. نقش نگهبان موزه که در بعضی فیلم‌های جدید (مستربین، شبی در موزه، موزهٔ بالا، موزهٔ پایین) تصویر شده است، تصویری ساده‌انگارانه و مغرضانه از شغلی پیچیده و گاهی دشوار ایجاد می‌کند، زیرا این افراد همواره تنها هستند و کاری یکنواخت را باید انجام دهند یا برعکس با نظم‌دادن گروه پیاپی بازدیدکنندگان روبه‌رو هستند.

واگذاری

Aliénation

Deaccessioning, disposal/ Enajenación, Alienación

در علم حقوق، واگذاری به معنای تفویض مالکیت یک کالا به دیگری است. گاهی شورای بین‌المللی موزه از مترادف آن؛ یعنی «انتقال» استفاده می‌کند. مجموعه‌هایی را که جزو اموال عمومی می‌شوند، نمی‌توان انتقال داد؛ در مقابل، خارج‌شدن اشیاء از طبقه‌بندی مجموعه‌ها موجب می‌شود که نامشان از صورت موجودی موزه (که به معنای تحت تملک موزه بودن است) حذف و به این صورت واگذارشان ممکن شود. واگذاری اشیای مجموعه‌ها در برخی کشورها ممکن نیست؛ این موضوع را به‌ویژه در کشورهای لاتین می‌توان دید که اصل حقوق قضایی آن‌ها به قوانین روم برمی‌گردد. دارایی‌هایی از طبقه‌بندی مجموعه خارج می‌شوند که عموماً دیگر ارزش نگهداری در موزه را ندارند، بنابراین می‌توان آن‌ها را مبادله کرد، فروخت یا تخریب کرد. آیین‌نامهٔ اخلاق شورای بین‌المللی موزه‌ها دربارهٔ واگذاری نسبتاً سخت است سود بالقوهٔ حاصل از فروش اشیای واگذارشده باید به مجموعه اختصاص یابد. دربارهٔ موزه‌هایی که نظام حقوقی‌شان اجازهٔ واگذاری می‌دهد، عموماً هرگونه پیشنهاد واگذاری به کمیتهٔ توسعهٔ مجموعه‌ها داده می‌شود. اسناد مربوط در پروندهٔ شیء قرار می‌گیرد و اسامی اشیاء خارج‌شده از فهرست موجودی در دفتر واگذاری‌ها ثبت می‌شود.

فضا

Ambiance

Surrounding atmospher, Climate/ Ambiente

این واژه که گاهی به معنای «بافت» و «محیط» استفاده می‌شود، ویژگی کلی حال‌وهوایی را بیان می‌کند که واحد نظام نمایش در آن به‌شیوه‌ای گسترده‌تر و خنثی‌تر از بافت و محیط - با استفاده

از نور، صدا، بو و حتی حجم - نمایش داده می‌شود. هنگام تحلیل واقعیت عینی نمایشگاه، تشخیص مضمون (محتوا) از ظاهر آسان نیست. درواقع خود محتوا از اشکالی (خطوط، رنگ‌ها و نور) تشکیل می‌شود و لزوماً در فضایی قرار می‌گیرد که به‌هیچ‌وجه خنثی نیست (نه در خطوط، نه در رنگ و نه در شدت نور)؛ بنابراین این فضا اساساً بر آنچه در معرض دید قرار می‌گیرد، اثر می‌گذارد. با در نظر گرفتن رابطه میان واحدهای نمایش و محیطی که در آن قرار دارند، تمامی درجات خنثی بودن در یک مکان ایجاد می‌شود؛ از اشغال کامل فضای معماری (آن‌طور که تابلوهای نقاشی اولین گالری‌ها را تزئین می‌کردند) تا نهایت خنثی بودن با ایجاد محیطی که تا حد امکان تاریک (مثل جعبه سیاه) باشد، به‌طوری که در آن فقط واحدهای نمایش مشاهده شود. «فضایی که در آن به یک اثر نگاه می‌کنید، به محیطی که اثر در آن تولید شده است، هیچ ارتباطی ندارد. اگر کاری کنیم که ارائه اثر با خود آن اشتباه نشود، قرائت اشتباه به‌وجود نمی‌آید. اگر مخاطبان از کار هنرمندی آگاه شوند و بدانند که شیوه آگاهی‌شان از کنترل و علاقه هنرمند نبوده است، در این صورت، ارائه آن اثر را می‌توان واقعی تلقی کرد» (سیگلوب، ۱۹۶۹). اما مشکل از زمانی آشکار می‌شود که درباره رابطه اشیای موزه با واقعیت بیرونی؛ یعنی واقعیتهایی که از آن برگرفته شده‌اند، از خود سؤال می‌کنیم و می‌کوشیم این اشیاء را در محیطی قرار دهیم که تا حد امکان به این واقعیت نزدیک باشد تا بتوانیم در کمال وفاداری به «محیط» یا «وضعیت» اصلی آن (طبق اصطلاحات مردم‌شناسان) نزدیک شویم؛ از کمترین بافتی که از طریق سند مربوط به موضوعات ارائه شده در آثار هنری یا براساس ماکت‌ها تداعی می‌شود تا بازسازی محیط (مانند شهرفرنگ‌ها یا نمایش‌های خیابانی) و حتی بازسازی آن در فضای نمایشگاه (در واحدهای بوم‌شناختی). برای تحلیل نمانگاری، لازم است به‌طور جداگانه به فضای موجود و میزان واقع‌گرایانه بودن آن بافت توجه کنیم. در مقابل در فضا، حتی اگر وسایل تولید نور (شیوه‌های روشنایی) و رنگ مشخص و ابزار نورپردازی و رنگ‌آمیزی هم مجزا باشد، نتایجی که از هر دو به‌دست می‌آید و روشنی یا تاریکی بافت را مشخص می‌کند، به قدری به یکدیگر وابسته‌اند که بررسی جداگانه آن‌ها دشوار می‌شود.

آماده‌سازی (فضا)

Aménagement (de l'espace)

Division of space, Arrangement/ Acondicionamiento (del espacio)

آماده‌سازی فضا، نخستین مرحله از به‌نمایش گذاشتن آثار هنری پیش از چیدمان واحدهای نمایش و به معنی ساختاربخشیدن به فضا با استفاده از ابزارهای ارائه آثار است که امکان بریدن و تقسیم‌بندی فضا را فراهم می‌کند؛ مانند تیغه یا سکو (ابزارهایی که به‌صورت تکیه‌گاه به کار می‌روند) یا قاب‌ها، پاستنگ‌ها و ابزارهای که برای محافظت استفاده می‌شوند (مانند ویتترین‌ها). نورپردازی نیز بیش از پیش برای تنظیم حجم در فضای موزه به کار می‌رود.

گروهی از افراد که عموماً در قالب انجمنی (تحت مقررات حقوقی بدون هدف سودآوری) گرد می‌آیند و هدفشان به لحاظ اجتماعی در اصل کمک کردن به موزه است. در میان انواع کمک‌های اصلی می‌توان به اعطای اشیا (اعطایی‌های مجموعه‌ها)، کمک‌های مالی و نیز گاهی خدمات خیرخواهانه و داوطلبانه اشاره کرد. اعضای این انجمن در ازای عضویتشان از مجموعه مزایایی بهره‌مند می‌شوند؛ مثل ورود آزاد به موزه یا دعوت شدن به میهمانی افتتاحیه نمایشگاه یا مراسمی که به‌طور ویژه تدارک دیده می‌شود. فعالیت انجمن دوستداران موزه که بیشتر شامل اعطاست، برای موزه‌ها بسیار ارزشمند است. به‌نظر می‌رسد اولین اجتماع دوستداران موزه در سال ۱۸۵۷ در برگتس (اتریش) با عنوان باشگاه موزه ملی فورآرلبرگ تشکیل شده است. فدراسیون ترفیع موزه نوردیسکا (۱۸۸۰) و انجمن گالری عمومی هنرهای زیبای بالرت در استرالیا (۱۸۸۴) نیز در زمره انجمن‌های پیشگام هستند. در بلژیک، انجمن دوستداران موزه هنرهای زیبای گاند که در سال ۱۸۹۷ هم‌زمان با تأسیس کانون دوستان لوور تشکیل شد، از مهم‌ترین انجمن‌های دوستداران موزه در دنیا است و بیش از ۷۰ هزار عضو دارد. از اواسط دهه ۱۹۷۰، انجمن‌های دوستداران موزه به فدراسیون‌های ملی تبدیل شدند و خود این فدراسیون‌ها نیز به‌صورت فدراسیون جهانی درآمدند. (این سازمان بین‌المللی غیردولتی و غیرانتفاعی در سال ۱۹۷۵ به‌طور قانونی در بلژیک تأسیس شد.)

تحلیل SWOT (نقاط ضعف و قوت، فرصت‌ها و تهدیدها) Analyse Swot

Swot analysis/ Análisis swot

علامت اختصاری swot واژه‌ای انگلیسی و به‌معنی فنون برنامه‌ریزی راهبردی براساس ضعف‌ها و قوت‌های موزه براساس تحلیل محیط، موقعیت‌های مناسب و مخاطرات کار است. تحلیل swot در دهه ۱۹۶۰ در ایالات متحده آمریکا مطرح و به‌سرعت در مؤسسات و سازمان‌ها، چه انتفاعی و چه غیرانتفاعی، رایج شد و گسترش یافت. براساس این تحلیل، موقعیت موزه و محورهای اصلی راهبردی آن تعریف می‌شود.

آموزش بزرگ‌سالان (آندراگوژی) Andragogie

Andragogy/ Andragofia

این واژه نوظهور در مقابل پداگوژی به‌معنی آموزش و پرورش کودکان، از واژه یونانی «آندروس» (انسان

مذکر بالغ) گرفته شده و در اصطلاح به مجموعه قوانینی گفته می‌شود که در بردارنده روش‌های آموزش بزرگسالان است. این اصطلاح از دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ در پی پیشرفت آموزش و پرورش دائمی استفاده شد و به‌نظر می‌رسد به‌نوعی از تفریحات فرهنگی اشاره می‌کند که موزه در آن زمینه اهمیتی بالقوه دارد. (به‌طور کلی در آن زمان موزه کمتر در این جنبش نقش داشت). بار معنایی مذکر این واژه چندان منطقی به‌نظر نمی‌رسد و استفاده از آن را اندکی دشوار کرده است.

Animateur

پویانماگر

Educational staff, Animator Animador

کسی که پویانمایی می‌کند.

Animation (Muséale)

پویانماگری موزه‌ای

Animation/ Animación

نوعی از پویانمایی که زیرمجموعه پویانمایی اجتماعی - فرهنگی و فعالیتی اجتماعی، آموزشی و فرهنگی است و افرادی ذی‌نفع (جوانان، بازنشستگان و...) در اوقات فراغت خود آن را انجام می‌دهند. موزه مکان مناسبی برای این کار است و فعالیت‌های فراوان خواه اجتماعی و رسانه‌ای و خواه از نوع متداول‌تر؛ یعنی آموزشی، می‌توان در آن انجام داد. این اصطلاح به‌دلیل کلی‌بودن و تقریباً منسوخ‌شدن، به‌ندرت درباره موزه‌های بزرگ، کاربرد دارد. به‌نحوی تخصصی‌تر از آموزش و پرورش و رسانه‌ها بهره گرفته‌اند.

Apprentissage

یادگیری

Learning/ Aprendizaje

یاد گرفتن تکنیک، مفهوم و... است، که گاهی این واژه به لغت «آموزش» (که به‌طور مستقیم درباره مدرسه و کسب معلومات است) ترجیح داده می‌شود و در مورد کسب دانش (یا آموختن، تمرین، مهارت و...) به‌کار می‌رود؛ به‌ویژه از طریق روش‌های مشاهده و تقلید (بازی نقش‌ها) در قالب رفت‌وآمد به موزه، به‌صورت انفرادی (هنگام بازدیدهای آزاد) یا گروهی (در کارهای کارگاهی طی بازدیدهایی همراه راهنمایان و...).

Aquarium

آکواریوم

Aquarium/ Acuario

آکواریوم به معنای موزه، علاوه بر اینکه به معنی مکان (ساختمان و نیز مجموعه مخزن های شفاف پر از آب) است، مجموعه ای از جانوران زنده در آن مکان نیز معنی می دهد. شورای بین المللی موزه نیز همچون جرج برون گود، موزه های دارای آکواریوم را به رسمیت می شناسد، زیرا با دستورات کلی تعریف موزه تطابق دارد.

Arboretum

Arboretum/ Arboreto

مجموعه گیاهشناسی

علاوه بر داشتن معنای مکان، معنای مجموعه را نیز دارد. شورای بین المللی موزه، موزه های دارای این باغ ها را به رسمیت می شناسد، زیرا ویژگی های محوطه محافظت شده طبیعی یا پارک طبیعی را دارند.

Architecte

Architect/ Arquitecto

معمار (آرشیست)

کسی که نقشه ساختمان را طراحی و اجرای آن را مدیریت می کند. به مفهوم گسترده تر، معمار کسی است که فضایی را می سازد. این شغل در بیشتر کشورها تخصصی است و معمار ممکن است موزه شناس و حتی متخصص این امر باشد؛ حالتی که عکس آن عموماً غیرممکن است. بنابراین ساختمان موزه تحت مدیریت معمار و براساس برنامه مسئولان علمی، فنی و اداری ساخته می شود. در مواردی هم کارهایی نظیر طراحی داخلی به معمار محول می شود؛ بی آنکه تفاوت بنیادین میان طراحی های عمومی (دکوراسیون داخلی) و طراحی های تخصصی مربوط به سالن های دائمی یا موقتی نمایشگاه ها (معماری داخلی) در نظر گرفته شود. در نتیجه سالن های نمایشگاهی بسیاری مانند تالارهای ساده، سازوکار روشنایی ناکارآمد دارند یا ویرترین های بسیاری که با وجود زیبایی، کاربردی نیستند. در مقابل بعضی معماران در طراحی نمایشگاه تخصص دارند و در زمینه سازمان دهی فضا هنرمندند. اما درباره دکوراسیون یا سازمان دهی فضا باید به پندهای یکی از مسئولان قدیمی موزه ملی هنر نو، لویی اوتکور توجه کنیم که آنچه از ساخت کاخ توکیو می خواست به دست نیاورد: «موزه ساخته می شود، نه برای اینکه به معمار فرصتی برای ترسیم یک اثر هنری زیبا بدهد، بلکه برای ارزشمند جلوه دادن آثار هنری و دوری از خستگی جسمی و فکری بازدیدکننده» (۱۹۳۴).

Architecture

معماری

ر. ک. بخش دایره المعارف.

این اصطلاح که شبیه واژه لاتین artificialia است و آن را به‌ویژه انگلیسی‌زبان‌ها به‌کار برده‌اند، امروز برای نشان دادن هر شیئی به‌کار می‌رود که ساخته دست انسان باشد؛ به‌ویژه آن دسته از اشیایی که برای ساختنشان از روش‌های فنی استفاده شده باشد. «تفاوت میان اشیای مصنوع و طبیعی، بلافاصله و بدون ابهام بر هر یک از ما آشکار می‌شود. صخره، کوه، رود و ابر اجسام طبیعی هستند و چاقو، دستمال و اتومبیل اشیای مصنوعی» (ژاک مونود، ۱۹۷۰). درواقع این اصطلاح بیشتر برای اشیای متحرک و مواد بی‌جان یا بدون حیات به‌کار می‌رود تا ساختارها؛ همان‌طور که سوزان پیرس تصریح می‌کند: «مصنوعات اشیایی هستند که ساخته می‌شوند و با فناوری بشری هویت پیدا می‌کنند. در عمل این واژه بیشتر از ساختارها، برای اجسام منقولی به‌کار می‌رود که با مواد آلی مرده یا مواد معدنی ساخته می‌شود» (۱۹۸۶). اما وقتی ژاک مونود می‌گوید که «انسان چاقو را به‌قصد استفاده و عملکردی از پیش تعیین شده ساخته است» در درستی مفهومی تا این اندازه ساده تردید می‌کند و این ابراز تردید در ذهن او به شکل‌گیری تعریفی علمی منجر می‌شود. دانستن اینکه طبیعت هدفمند است و عمق دارد و صرفاً تصویری متشکل از اجسام طبیعی با خاصیت‌های مشابه مصنوعات (از قبیل تکرار و هندسه) نیست، باعث می‌شود که او تعریف خود را دقیق‌تر بیان کند. با وجود این باید توجه کرد که وقتی موضوع محتوای نمایشگاه است، انگلیسی‌زبانان اصطلاح مصنوعات را به‌نجوی گسترده برای نشان دادن واحدهای نمایش یا اشیایی به‌کار می‌برند که به‌نمایش درمی‌آیند.

از کارمندان موزه است که این وظایف را برعهده دارد: نگهداری از مجموعه‌ها و اجرای قوانین مربوط به اداره آن‌ها تحت نظر متصدی و در صورت نیاز، مرمت‌کننده (انجمن بین‌المللی آموزش کارکنان، ۲۰۰۸)، آماده‌سازی و علامت‌گذاری اشیاء و چیدن و عکاسی از آن‌ها و کارهای مربوط به بسته‌بندی اشیاء به‌قصد نگهداری یا حمل‌ونقل.

خدماتی است که با پرداخت حق بیمه براساس توافق بر مبنای احتمال خطر، برگرداندن مبلغی را پس از قاجعه ضمانت می‌کند. از خدمات بیمه که عموماً به شرکتی خصوصی سپرده می‌شود و گاهی دولت‌ها یا حکومت‌های مجلی آن را برعهده می‌گیرند، اساساً برای تضمین امنیت ساختمان‌های موزه و

مجموعه‌هایش استفاده می‌شود؛ به‌ویژه هنگامی که نمایشگاه‌های موقت مجموعه‌هایی را از موزه‌ها به‌امانت می‌گیرند. با توسعه نمایشگاه‌های موقت، بودجه بیمه برای موزه‌ها بسیار افزایش یافته است.

کارگاه آموزشی **Atelier pédagogique, Atelier éducatif**

Education workshop/ Taller pedagógico

محلی در موزه که مجموعه‌ای آموزشی یا رسانه‌ای در آنجا فعالیت‌هایی را سازمان می‌دهد؛ به‌ویژه هنگامی که این فعالیت‌ها به فضایی برای آزمایش یا ایجاد و ساخت اشیایی مربوط به موضوعات تحقیقی نیاز داشته باشد؛ همچنین فعالیتی که تحت کنترل و بازبینی آن دستگاه آموزشی یا رسانه‌ای انجام می‌شود و مخاطبش دانش‌آموزان یا بزرگسالان هستند.

کارگاه مرمت **Atelier de Restauration**

Conservation laboratory/ Taller de restauración

مکانی در موزه است که مرمت‌های کوچک و بزرگ اشیای مجموعه را فردی از خود موزه یا مرمت‌کننده‌ای از بیرون موزه در آن انجام می‌دهد.

مخاطبان **Audience**

Audience/ Audiencia

در صورتی که این واژه به‌طور کلی به مجموع اشخاصی اشاره کند که به‌طور بی‌واسطه با فعالیت یک رسانه مرتبط هستند، مخاطبان موزه را تقریباً می‌توانیم مجموع افرادی در نظر بگیریم که به موزه رفت‌وآمد می‌کنند یا از فعالیت‌های موزه تأثیر می‌پذیرند. به این ترتیب در معنای نخست، مخاطب فقط به بازدیدکننده محدود می‌شود، ولی در معنای وسیع‌تر، گروهی را در بر می‌گیرد که گاهی آن را «غیرهمگانی» می‌نامیم؛ مثلاً مردمی که خودشان از موزه بازدید نمی‌کنند، اما در همسایگی آن زندگی می‌کنند و از طریق مطبوعات از فعالیت‌های موزه در مدارس یا فروشگاه‌های منطقه و نمایشگاه‌های سیاری که سازمان‌دهی می‌شود، تأثیر می‌پذیرند.

راهنمای شنیداری موزه **Audio-guide**

Audioguide/ Audioguía

دستگاهی عموماً حمل‌شدنی و دارای فناوری پخش صوت یا تصویر است که خدماتی به بازدیدکنندگان

موزه در مسیر نمایشگاه عرضه می‌کند. امروز در ساخت راهنماهای صوتی که در گذشته بر پایه صدا و با تکنیک‌های مشابه واکن‌های صوتی ساخته می‌شد، تا حد زیادی از فناوری‌های جدید از قبیل صدای دیجیتال، تصویر و دائلود از اینترنت بهره می‌گیرند.

Audit

حسابرسی

Audit/ Auditoría

شیوه کنترل و مشورت به‌ویژه از طریق حسابداری براساس ابزارهای مدیریت موزه. این کنترل عموماً بیرونی است و به‌وسیله مستقل (یا در سازمان‌های بزرگ از طریق سازمان بازرسی داخلی) اعمال می‌شود. حسابرسی نیز همچون ارزیابی، ابزاری است که برای بهبود فعالیت موزه از راه تصحیح اشتباهات گذشته استفاده می‌شود. علاوه بر دنبال کردن هدف اصلی، از این فرایند برای تشویق یا توبیخ مدیران نیز استفاده می‌کنند. در این صورت می‌توان از ابزارمند ساختن فرایند سخن گفت.

Authentique, original

اعتبار، اصالت

Authentic/ Auténtico

ویژگی‌هایی است که عموماً در اشیای موزه بررسی می‌شود و بر آن اساس درباره نگهداری اشیا در مجموعه و به‌نمایش گذاشتن آن‌ها تصمیم‌گیری می‌شود. این ویژگی باید براساس مدارک همراه اشیا اثبات شود. هدف از پژوهش‌های موزه‌ای عموماً اثبات اصالت اشیا است. (درباره مجموعه‌های جانشین، مثلاً در دیرینه‌شناسی نیز می‌توان تحقیق کرد) در محدوده آثار هنری، اشیای اصیل در تقابل با اشیای جعلی و نسخه‌های اصل در تقابل با نسخه‌های بدل قرار دارند.